

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سکوت امت در برابر عدم حاکمیت اسلام؛ تهلکه و خودکشی است

(ترجمه)

برخی از علماء و اکثریت مردم در سرزمین‌های اسلامی به مقطعی از آیت التَّهْلُكَةِ یعنی این قول الله سبحانه وتعالی ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ استدلال کرده و به دفاع از خود می‌پردازند و وقتی از آنان خواسته شود تا اعمال حکام ظالم را رد و زشتی اعمال مسئولان فاسق را برای امت افشاء و خواستار إقامة حاکمیت شریعت اسلامی و احکام الله سبحانه وتعالی شوند، به این آیت متوسل شده و برای خود چنین دلیل می‌آورند که این کار خودکشی است و ما از آن نهی شده‌ایم!

آنان تنها به گناه سکوت علیه ظالمان و علیه فساد و استشهاد و استدلال اشتباه از آیت مبارکه اکتفاء نکردند؛ بلکه سد راه کسانی شدند که مسئولیت شرعی شان را در قبال حکام ظالم و مسئولان فاسق ادا می‌کنند و آنان با این عمل خود در گناه شناور شدند. آنان خار راه کسانی شدند که حکام و مسئولان را امر به معروف و نهی از منکر کرده، اعمال زشت شان را ایراد گرفته و آن‌ها را محاسبه می‌کنند و برای تغییرشان برای بازگشت حاکمیت الله سبحانه وتعالی بر روی زمین فعالیت کرده و در این راه قربانی می‌دهند. آنان این گونه افراد را که بخاطر ادای مسئولیت خود تحت آزار و شکنجه قرار گرفته و زندانی شوند و یا با تنگدستی مواجه شده و یا هم کشته شوند، متهم به خودکشی کرده و می‌گویند که آن‌ها به دست شان خود را به هلاکت رسانده اند و برخی از آنان، این گونه افراد را به به فتنه‌انگیزی و فسادجوی متهم می‌سازند!

کسانی که چنین پنداشته و سکوت را بر گفتن سخن حق ترجیح می‌دهند؛ این احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را فراموش کرده اند:

«لَا يَنْبَغِي لِأَمْرٍ يَشْهَدُ مَقَامًا فِيهِ مَقَالٌ حَقٌّ إِلَّا تَكَلَّمَ فِيهِ، فَإِنَّهُ لَنْ يُقَدَّمَ أَجَلُهُ وَ لَنْ يَحْرِمَهُ» (رواه بیهقی)

ترجمه: برای کسی که در جای حضور می‌یابد (که حق کتمان شده و باید حق را بگوید) سزاور نیست که سکوت کند؛ بلکه باید حق را بگوید، زیرا گفتن حق اجل او را نه پیش می‌اندازد و نه پس.

«أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ رُهْبَةَ النَّاسِ أَنْ يَقُولَ بِحَقِّ إِذَا رَأَهُ أَوْ شَهِدَهُ» (رواه ترمذی)

ترجمه: آگاه باشید که ترس از مردم، هیچ یک از شما را از گفتن حق، وقتی حق را می‌بیند، باز ندارد.

«سید الشهداء حمزة بن عبدالمطلب، و رجل قام إلى إمام جائر فأمره و نهاه فقتله» (رواه حاکم)

ترجمه: سید شهداء (حضرت) حمزه بن عبدالمطلب و مردی است که در برابر حاکم ظالم ایستاده و او را امر به معروف و نهی از منکر کرده و حاکم او را به قتل می‌رساند.

«أفضل الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر» (رواه أبوداود)

ترجمه: بهترین جهاد، گفتن کلمه حق نزد پادشاه ظالم است.

پس آیا کسی که در برابر حکام ظالم به خاطر اجابت امر رسول الله صلی الله علیه وسلم و رسیدن به منزلت سیدالشهداء می ایستد، خود را هلاک کرده است؟!

این علماء و مردم، مواقف علمای سلف صالح را در برابر حکام در تمام عصرهای اسلامی فراموش کرده اند؛ علمایی که به بهترین وجه مسئولیت خود را ادا نموده، امر به معروف و نهی از منکر کردند، حکام شان را محاسبه کرده و ملامت هیچ ملامت کننده‌ای مانع شان نشد؛ مثل امام احمد بن حنبل و مورد آزار قرار گرفتن و زندانی شدن وی در قضیه معروف خلق القرآن. وی در برابر مصیبت‌ها و مشکلات صبر و استقامت کرد؛ زیرا می دانست که با لغزش وی امت خواهد لغزید. سلطان علماء العز بن عبدالسلام که در برابر ممالک و حکام حلقه بگوش ایستاد و با آنان بدون این که از شکنجه و زندان بترسد، نیشگون و سخت صحبت کرد. امام اوزاعی که با بیان حق به صورت قاطع و جدی با ابی العباس السفاح با وجود همه زور و قدرتش به مبارزه پرداخت... این گونه علماء می دانند که ایمان دارای تکالیف و مسئولیت‌هاست. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ [عنکبوت: 2]

**ترجمه:** آیا مردمان گمان برده‌اند همین که بگویند ایمان آورده‌ایم (و به بیگانگی الله و رسالت پیامبر اقرار کرده‌ایم) به حال خود رها می‌شوند و ایشان (با تکالیف و وظائف و رنج‌ها و سختی‌هایی که باید در راه آئین آسمانی تحمل کرد) آزمایش نمی‌گردند؟! پس آیا این علماء و همانندان شان خود را به هلاکت رسانده اند و به عبارت دیگر، آیا خودکشی کرده اند؟!

اگر به آیه‌ای که اینان به جزئی از آن استشهاد و استدلال می‌کنند، رجوع کنیم یعنی این آیه مبارکه:

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [بقره: 195]

**ترجمه:** و در راه الله انفاق (و بذل مال) کنید (و با ترک انفاق)، خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید (در کشتن و یاری ستم‌دیده و جنگ و...) همانا الله نیکوکاران را دوست می‌دارد. درمی‌یابیم که این آیت بیان می‌دارد، وقتی الله سبحانه و تعالی جهاد را در راه خود فرض و نشر دین را با فتح و پیروزی واجب و لازمی ساخت؛ بدنبال آن از انفاق که از عناصر اساسی و اصلی جهاد می‌باشد، یادآور شد. بنابر این، جهاد از طریق جنگ با دشمن با انفاق فی سبیل الله معنا پیدا می‌کند. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [توبه: 41]

**ترجمه:** (ای مؤمنان! هرگاه منادی جهاد، شما را به جهاد ندا درداد، فوراً) به سوی جهاد حرکت کنید! سبک‌بار یا سنگین‌بار، (جوان یا پیر، مجرد یا متأهل، کم‌عائله یا پرعائله، غنی یا فقیر، فارغ‌البال یا گرفتار، مسلح به اسلحه سبک یا سنگین، پیاده یا سواره و... در هر صورت و در هر حال) و با مال و جان در راه الله جهاد و پیکار کنید، اگر دانا باشید، می‌دانید که این به نفع خود شماست.

سبب نزول این آیت مسئله را واضح‌تر خواهد ساخت، چنان که در تفسیر البغوی آمده است: «أبو أيوب انصاری گفت: گروهی از انصار نزد مان آمدند و این در حالی بود که الله سبحانه و تعالی دین خود را عزت و رسول خود را نصرت داده بود و ما در میان خود پنهانی گفتیم: ما اهل و اموال خود را ترک کردیم تا اسلام گسترش یافت و الله سبحانه و تعالی نبی خود را نصرت داد؛ پس اگر بسوی اهل و اموال خود برگردیم و در آنجا بمانیم و نیکوکاری کنیم، چیزی از آن‌ها ضایع نمی‌گردد. پس الله سبحانه و تعالی این آیین را نازل کرد:

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [بقره: 195]

**ترجمه:** و در راه الله انفاق (و بذل مال) کنید و (با ترك انفاق) خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید (در کشتن و یاری ستمدیده و جنگ و...) همانا الله نیکوکاران را دوست می‌دارد.

لذا، هلاکت یعنی باقی ماندن در میان اهل و اموال و ترک جهاد. أبو ایوب انصاری تمام زندگی خود را در جهاد فی سبیل الله سپری کرد و حتی آخرین غزوه او در زمان معاویه در قسطنطنیه بود که در همان جا وفات یافت و در کنار دیوار قسطنطنیه دفن گردید؛ درحالی که مردم با توسل جستن به وی طلب باران می‌کردند.»

**بنابر این، هلاکت اینست که در میان اهل و اولاد و اموال بمانی و جهاد فی سبیل الله را ترک کنی.**

روایت شده که قومی قلعه‌ای را محاصره و مردی با آنان به تنهایی تا دم مرگ جنگید تا سرانجام کشته شد و مردم گفتند که وی خودش را به دست خود هلاک کرده است. این سخن به عمر بن الخطاب رضی الله عنه رسید و ایشان گفتند: مردم دروغ گفته اند! آیا الله سبحانه و تعالی چنین نفرموده است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [بقره: 207]

**ترجمه:** و در میان مردم کسی یافت می‌شود که جان خود را (که عزیزترین چیزی است که دارد) در برابر خوشنودی الله می‌فروشد (و رضایت الله را بالاتر از دنیا و مافیها می‌شمارد و همه چیز خود را در راه کسب آن تقدیم می‌دارد) و پروردگار نسبت به بندگان بس مهربان است (و بدانان در برابر کار اندک، نعمت جاوید می‌بخشد و بیش از توانائی انسانی برای شان تکالیف و وظائف مقرر نمی‌دارد).

بسیاری از آیات و احادیث، تشویق و ترغیب بر جهاد با هردو نوع آن، یعنی جنگ و انفاق کرده و تشویق می‌کند که در برابر ظالمان باید مقاومت کرد و برای تغییرشان باید سد راه آن‌ها شد. مسئولان باید محاسبه و امر به معروف و نهی از منکر شوند، سکوت در برابر این ظالمان و مسئولان بی‌کفایت از دید آیات و احادیث مبارکه ترک واجب خوانده شده و این در ذات خود هلاکت بشمار می‌رود. صبر و استقامتی که مسلمان در این راه پیشه می‌کند، از دید آیات و احادیث از عزم الأمور بحساب می‌آید؛ چنان که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِن تَصْبِرُوا

وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [آل عمران: 186]

**ترجمه:** به طور مسلم از لحاظ مال و جان خود مورد آزمایش قرار می‌گیرید و حتماً از کسانی که پیش از شما بدیشان کتاب داده شده است و از کسانی که کفر ورزیده‌اند، اذیت و آزار فراوانی می‌بینید (و اعمال ناشایستی و سخنان نابایستی می‌شنوید) و اگر (در برابر آزمایش مالی و جانی) بردباری کنید و (از آنچه باید پرهیز کرد) پرهیزید (کارهای شایسته همین است و)، این اموری است که باید بر انجام آن‌ها عزم را جزم کرد و در اجرای آن‌ها کوشید.

آیات و احادیث صبر مجاهدان را که با مشکلات و مصیبت‌ها دست و پنجه نرم کرده، با دشمن شان می‌جنگند و از مصیبتی که در راه الله می‌بینند، خسته نشده و اراده شان ضعیف نمی‌گردد، توصیف و تمجید کرده است؛ چنان که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾

[آل عمران: 146]

**ترجمه:** و چه بسیار پیامبرانی که مردان ربانی زیادی به همراه آنان کارزار می‌کرده‌اند و به سبب چیزی که در راه الله بدانان می‌رسید(از قبیل کشته شدن برخی از یاران و مجروح شدن خود و دوستان) سست و ضعیف نمی‌شدند و زبونی نشان نمی‌دادند (و بلکه شکیبایی می‌کردند) و الله شکیبایان را دوست می‌دارد.

پس کدام تهلکه و خودکشی در این عمل نهفته است؟ در حالی که الله سبحانه و تعالی برای شان در روز قیامت پاداش کامل و فراوانی آماده کرده است:

﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [زمر: 10]

**ترجمه:** قطعاً به شکیبایان اجر و پاداش شان به تمام و کمال و بدون حساب داده می‌شود.

این چه نوع هلاکتی است؟! در حالی که حضرت بلال رضی الله عنه در برابر آزار و اذیت و شکنجه‌های صحرای سوزان مکه بخاطر دین خود صبر و استقامت کرد و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه بزرگوار به درجه عالی نایل گشت تا جائی که عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: «أبو بکر سید و سرور ماست و سید و سرور ما را آزاد کرد.»

آیا آل یاسر خودشان را هلاک می‌کردند؛ در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای شان این سخن را می‌گفت:

«صَبْرًا يَا آلَ يَاسِرٍ، فَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْجَنَّةَ؟!»

**ترجمه:** ای خانواده یاسر! صبر و استقامت کنید؛ زیرا جایگاه تان بهشت است.

خلاصه سخن: استشهاد و استدلال این علماء و مردم به این مقطع از آیت یک استشهاد و استدلال فاسد و غلط بوده و این وضعیتی که امت امروز در آن بسر می‌برد، از قبیل: هلاکت، گمراهی، سرگستگی و نزول از جایگاه طبیعی اش که الله سبحانه و تعالی برایش برگزیده بود، همه و همه بخاطر عدم تطبیق دین الله سبحانه و تعالی بر روی زمین و بخاطر رضایت و سکوت در برابر این حکام طاغوتی و ظالم که از پروژه‌های غرب کافر در سرزمین‌های ما حراست و نگهبانی می‌کنند، می‌باشد که یقیناً این عمل کرد در ذات خود تهلکه و خودکشی بشمار می‌رود.

لذا، باید در برابر باطل ایستاد و آن را رد و برای رسیدن به حق بیداری قوی ایجاد کرد تا مسلمانان در پرتو آن مسئولیت‌های شان را در برابر دین و امت شان با ایستادگی در برابر طواغیت و کار برای تغییر بدوش بگیرند؛ هرچند هزینه بزرگی داشته باشد! عزت دنیا و آخرت در این نهفته است.

برگرفته از شماره 459 جریده الرایه

نویسنده: دکتر نبیل الحلبي - غزه (فلسطین)

مترجم: محمد مزمل